

عنوان مقاله: تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی

نویسندگان: مسعود چلبی، مهدی امیر کافی

منبع: مجله جامعه شناسی ایران ۱۳۸۳

دوره ۶ شماره ۲ صص ۳-۳۱



- تحقیق حاضر با تاکید بر عنصر رابطه ای به مطالعه انزوای اجتماعی می پردازد و علل و پیامدهای آن را مورد بررسی قرار می دهد. این تحلیل از نوع پیمایشی است که طی آن با ۷۳۳ نفر از شهروندان تهران و کرمان بین سنین ۲۰ تا ۷۰ سال مصاحبه شده است. حجم نمونه به ترتیب برای دو شهر مذکور معادل ۵۳۰ و ۲۰۴ نفر می باشد.



- برای تحلیل داده ها از مدل سازی خطی سلسله مراتبی استفاده شده است. یافته ها نشان می دهد که متغیرهای سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی منطقه و ثبات ساکنان در سطح ساختی و اعتماد امنیت و تعدد گره ها و هویت ها در سطح فردی اثرات موثر و معنی داری در روابط اجتماعی دارند. همچنین سطح روابط اجتماعی به نوبه خود تاثیر موثر و کاهنده ای بر احساس تنهایی و احساس عجز نشان می دهند.

ثبات ساکنان در سطح ساختی و
اعتماد امنیت

مقدمه

- بررسی موضوع انزوای اجتماعی حداقل در یک قرن گذشته نشان می دهد که این مفهوم به چند گرایش عمده در جامعه شناسی از جمله دیدگاه مارکسیستی و مفهوم از خود بیگانگی (سیمن، ۱۹۵۹، فیشر، ۱۹۷۳ و ۱۹۷۶، نیل ۱۹۷۵، کوهن ۱۹۷۶، سیمن و اندرسون ۱۹۸۳) مکتب کنش متقابل و مفهوم خود (فاریس ۱۹۳۴، جاکو ۱۹۵۴، تونیس ۱۹۸۳) و مکتب شیکاگو (فرناندز و هریس، ۱۹۹۴، کلینن بر گ، ۲۰۰۰) مرتبط است. در میان گرایش های مذکور **دو برداشت عمده** از مفهوم انزوای اجتماعی قابل تشخیص است. در حالی که برخی از نویسندگان بر عنصر ذهنی تاکید می کنند، برخی دیگر عنصر عینی و رابطه ای را مهم می دانند. ما در ادامه به برخی از تعاریف انزوای اجتماعی که به یکی از این عناصر ارجاع دارند اشاره می کنیم.

عنصر ذهنی



• از دیدگاه سیمن، انزوای اجتماعی واقعیتی است فکری که در آن فرد عدم تعلق و انفصال کاملی را با ارزش های مرسوم جامعه احساس می کند (۱۹۵۹، به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۷۰، ۶۸) اشکار است که در این تعریف انزوای اجتماعی به میزان و شدت تماس های فردی ارجاع ندارد (سیمن، ۱۹۵۹، ۵۱۸)

میزان و شدت تماس های فردی

- همچنین کوهن اعتقاد دارد که انزوای اجتماعی معادل بیگانگی فرهنگی است و نشان می دهد که «ایده و عقاید افراد درباره موضوعات مهم، چقدر با دیگران (دوستان، خویشاوندان و هم وطنان و...) تفاوت دارد (۱۹۷۹-۱۱۷) در مقابل یوریک معتقد است انزوای اجتماعی به معنای عدم وجود پیوندهای اجتماعی در میان افراد است (۱۹۷۰) کاله و دیگران (۱۹۷۸) در تعریف خود بر اهمیت شبکه های اجتماعی تاکید می کنند و در این زمینه معتقدند که اراده منزوی قادر نیست در قالب شبکه های اجتماعی انسجام یابند (کاله و گوو، ۱۹۷۸، ۲۲۳)

معادل بیگانگی فرهنگی

وجود پیوندهای اجتماعی در میان افراد

- بررسی تعاریف ارائه شده به خوبی نشان می دهد که سیمین و کوهن انزوای اجتماعی را امر ذهنی می دانند و در مقابل یویک و کاله بر عینی بودن آن را تاکید می کنند. تحقیق حاضر با توجه به دو عنصر مذکور انزوای اجتماعی را به معنای فقدان یا ضعف اتصال (های) فرد با سایر افراد، گروه (ها) و جامعه تعریف می نماید و ابعاد آن را بر اساس سطح روابط خانوادگی، روابط محلی، روابط فرا محلی، پیوند های انجمنی (میزان عضویت در انجمن های داوطلبانه) سرمایه اجتماعی ابزاری (میزان دسترسی به منابع اجتماعی) مورد بررسی قرار می دهد.

فقدان یا ضعف اتصال (های) فرد با سایر افراد

از ویژگی تعریف فوق که آن را از سایر تعاریف مربوط به انزوای اجتماعی متمایز می سازد، این است که:

- الف: «انفصال یا اتصال ناقص» را به عنوان هسته مرکزی انزوای اجتماعی می پذیرد. ب - بر حوزه تعاملی و ارتباطی که افراد را به شکل عینی به هم پیوند می زند تاکید دارد
- ج- بررسی پیوندهای اجتماعی را در دو حوزه اجتماع ارضی و اجتماع غیر ارضی مورد توجه قرار می دهد. به دنبال معرفی الگوی نظری فرضیه های منتج از آن با استفاده از تکنیک تحلیل رگسیون سلسله مراتبی و الگوساز معادلات ساختاری، موردبررسی قرار خواهند گرفت.

دو حوزه اجتماع ارضی و اجتماع غیر ارضی

الگوی تحلیلی

- نمودار شماره (۱) الگوی تحلیلی را نمایش می دهد. این الگو از سه بخش
- ۱- عوامل موثر بر انزوای اجتماعی
- ۲- انزوای اجتماعی و ابعاد آن
- ۳- پیامدهای انزوای اجتماعی تشکیل شده است
- قبل از آن که به بررسی علل و عوامل موثر در انزوای اجتماعی و همچنین پیامدهای آن پردازیم ذکر نکته ضروری است اول این که چارچوب نظری، تحلیل حاضر یک نظریه تلفیقی است. بنابراین متغیرهای موجود در مدل نه از یک تئوری بلکه از چند تئوری و دیدگاه اخذ گردیده است که اهم آن ها عبارتند از:

- دیدگاه فقر شهری (پراک ۱۹۱۶-۱۹۲۵، ویلسون ۱۹۸۷، فرناندز و هریس ۱۹۹۲...) مدل نظام مند (کاسادا و جان ویتز، ۱۹۷۴، سامسون و گراور، ۱۹۸۹ و...) مدل توسعه خطی (تونیس، ۱۳۸۱، زیمل ۱۳۷۲ و ویرث ۱۹۳۸) و تئوری نظم اجتماعی (چلبی، ۱۳۷۵).

2

- نکته **دوم** این که متغیرهای موجود در مدل در دو سطح ساختی و فردی مطرح می باشند، متغیرهای ساختی به خصایص منطقه مسکونی مربوط هستند و متغیرهای فردی خصایص و ویژگی های ساکنان را نمایندگی می کنند و نکته **سوم** این دو در تحلیل اجزا و عناصر مدل باید به خاطر داشت که تاثیر کلی متغیرهای ساختی و فردی بر روی ابعاد انزوای اجتماعی (روابط محلی، روابط فرامحلی و...) یکسان و یک جهت نیست.

3



یک متغیر ساختی

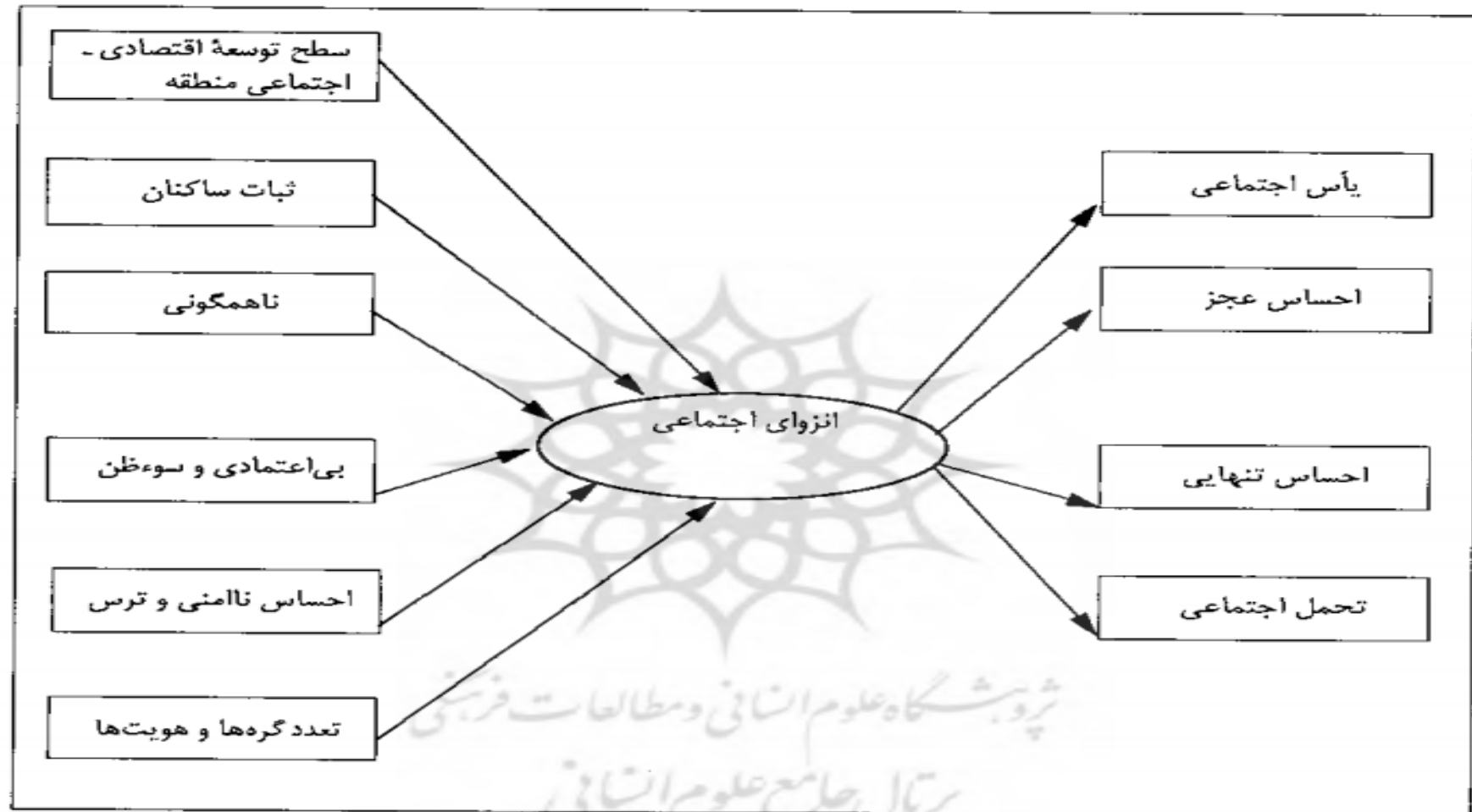
- در واقع ممکن است تاثیر یک متغیر ساختی بر روی روابط محلی مثبت باشد در حالی که بر روی روابط فرامحلی منفی و برعکس. این امر می تواند تاثیر متفاوت متغیرهای مذکور را بر شاخص ترکیب روابط و سرمایه اجتماعی به دنیال داشته باشد. در ادامه رابطه متغیرهای مستقل با انزوای اجتماعی تشریح می شود

۲- متغیرهای ساختی

- ۱-۲ سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی منطقه: بر طبق دیدگاه فقر شهری تردیدی وجود ندارد که سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی منطقه مسکونی بر روی پیوندهای اجتماعی ساکنان تاثیر می گذارد (الیوت، ۱۹۹۹، فرناندز و هاریس ۱۹۹۲ و ویلسون ۱۹۸۷) اما با وجود این تاثیر آن بر روی روابط محلی و فرامحلی یکسان و یک جهت نیست.

- در این زمینه پارک، ویرث، یانگ، سالتز و گانز استدلال می کنند که ساکنان مناطق محروم اغلب به دلیل انتخاب محدود به درون مرزهای محدود و مشخص عقب نشینی می کنند و از این طریق هویت های اجتماعی در میان آن ها شکل گرفته و سازمان می یابد. این وضعیت همچنین می تواند منافع مشترکی را ایجاد کند و معاشرت های شخصی را تقویت نماید. (پارک، ۱۹۱۶ و ۱۹۲۵، ویرث ۱۹۲۷ به نقل از کلیئن برگ ۲۰۰۰، ۱۳، یانگ، ۱۹۶۶ به نقل از پیران، ۱۳۷۰، ۱۳۳. سالتز ۱۹۶۸ به نقل از دیکنز ۱۳۷۷، ۷۷ گانز ۱۹۶۸ به نقل از ساوج و وارد ۱۳۸۰، ۱۴۴)

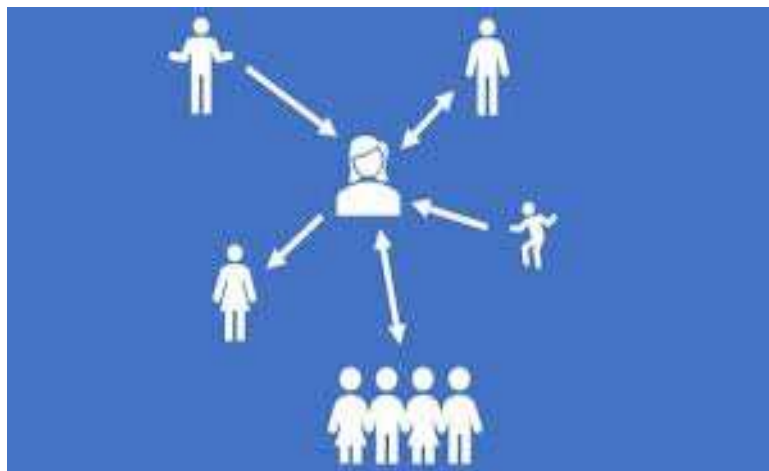
انتخاب محدود



نمودار شماره ۱. مدل تحلیلی

- اما این شرایط در مورد روابط فرامحلی متفاوت است چرا که توسعه شبکه های اجتماعی فرامحلی و پل های بیرونی نیازمند منابع و امکاناتی است که ساکنان اجتماعات محوری اغلب فاقد آن هستند (فیگوئرا، ۲۰۰۱، ۳۴) در مقابل ساکنان، منطق مرفه تر به دلیل برخورداری از منابع قادرند شبکه های اجتماعی فرامحلی را توسعه داده و آن را حفظ کنند. پیوند با خویشاوندان، دوستان، آشنایان و.. که در دیگر مناطق ساکن هستند. از طریق وسایل ارتباطی (نظیر تلفن)، ملاقات ها و مبادله خدمات و هدایا، احیا و فعال می شوند. موارد مذکور هزینه هایی را در بر دارد که مردم ثروتمند قادر به پرداخت آن هستند(همان)

توسعه شبکه های اجتماعی فرامحلی



- بنابراین می توان گفت که هر چند مناطق فقیر و محروم در مقایسه با مناطق مرفه تر بستر و زمینه مناسبی را برای رشد و توسعه شبکه های غیر رسمی محلی فراهم می سازند و برای استمرار و حفظ گروه های اولیه در اجتماع محلی مناسب هستند، ولی این مناطق از روابط فرا محلی ضعیفی برخوردارند.

شبکه های غیر رسمی محلی

۱-۲ ثبات سکونت

- بر اساس مدل نظام مند ثبات ساکنان در تبیین پیوند های اجتماعی افراد با یکدیگر عامل کلیدی به حساب می آید. در این زمینه روس و دیگران ، آدامز و سرپی، پوتنام، کاساردا و جان وینز، سامسون و گرواز معتقدند که اقامت طولانی و مالکیت منزل مسکونی شناخت همسایه ها را از یکدیگر پیشتر می کند، تعداد دوستان را در همسایگی افزایش و مشارکت در رخداد های محلی را تقوی می کند (روس و دیگران ۲۰۰۰، ۵۸۳، پوتنام ۱۹۹۵:۸ کاساردا و جان وینس ۱۹۷۴، ۳۳۸ و آدامز و سرپی، ۲۰۰۰، ۶۱)

تبیین پیوند های اجتماعی افراد با یکدیگر

- در مقابل تحرک ساکنان موجب اختلال در شبکه روابط اجتماعی اجتماع می شود (سامپسون و گراوز، ۱۹۸۹؛ ۳۸۰) افراد در اجتماعات، بی ثبات، فرصت کمتری برای تماس های اجتماعی دارند. به دلیل آگاهی از شرایط متغیر و آگاهی از این امر که دوستی ها دوام زیادی نخواهند داشت، آن ها تمایل و انگیزه ی برای ایجاد دوستی های محلی از خود نشان نمی دهند. (سامپسون، ۱۹۸۸، ۱۶۷) هر چند تحرک ساکنان از گسترش شبکه های اجتماعی محلی جلوگیری می کند، تاثیر عامل مذکور بر روابط فرامحلی و پل های بیرونی مثبت است. محلات و همسایگی هایی که با سطح بالایی از تحرک و جا به جایی مشخص می شوند، در مقایسه با همسایگی های با ثبات نزد تمایل بیشتری برای حفظ پل های بیرونی دارند.

اختلال



• خانواده ها هنگام تغییر محل سکونت تمایل دارند تماس خود را با گروه های اولیه که به آن تعل دارند و در اجتماع مبدا زندگی می کنند حفظ نمایند(یگئرا، ۲۰۰۱، ۳۵) فردی که در چند اجتماع مختلف زندگی کرده است، در مقایسه با کسی که همه عمر خود را در یک مکان گذرانده فرصت های بیشتری برای ملاقات با افراد مختلف پیدا می کنند که می تواند به **آشنایی و دوستی** با آن ها بینجامد(فاوست و کی رنز، ۲۰۰۱، ۲۱۳۷)

- بنابراین بر اساس آن چه گفته شد، می توان رابطه ثبات و تحرک را با شبکه های محلی و روابط فرا محلی (اتصالات بیرونی) به این شرح بیان داشت: اجتماعات با ثبات احتمالا از شبکه های غیر رسمی محلی برخوردار هستند و اجتماعات با میزان بالای تحرک با اتصالات بیرونی مشخص می شوند.

میزان بالای تحرک

اتصالات بیرونی

۳-۱ مدل ناهمگونی



فردینان تونیس

- بر طبق مدل توسعه خطی که ایده های تونیس و زیمل و ویرث را منعکس می سازد، افزایش خطی در اندازه و تراکم اجتماعات انسانی بر روی الگوهای رفتار تاثیر می گذارد (سامپسون، ۱۹۸۸، ۷۶۷) دیدگاه مذکور ادعا می کند که اندازه مکان و پیوند های اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهد،

- زیرا در سکونت گاه هایی که با جمعیت زیاد، متراکم و ناهمگون مشخص می شوند، ایجاب می کند که مردم در بیشتر مواقع با غریبه ها و یا افرادی که با آن ها شبیه نیستند تماس داشته باشند. بر طبق این دیدگاه این غیر شخصی بودن از پیوند های اجتماعی جلوگیری می کند (گلدنبرگ، ۱۹۹۷: ۱۵۹؛ تیتله و گراسمیک، ۲۰۰۱، ۳۱۵)

جمعیت زیاد، متراکم و ناهمگون

- در زمینه تاثیر منفی مغیر ناهمگونی در پیوندهای اجتماعی ویرث استدلال می کند که ساکنان شهری از افراد بدون سنت و تاریخ مشترک تشکیل یافته که به یکدیگر اعتماد ندارند و از این رو در مبادله ای که وابستگی متقابل و علایق شان را تقویت می کند درگیر نمی شوند. همچنی تجميع غریبه ها قادر به تحمیل هنجارهای مشترکی که ارتباط را تقویت کند نیست. در واقع از دیدگاه ویرث و سایر نظریه پردازان مدل توسعه خطی ناهمگونی موجب تضعیف پیوندهای اجتماعی می شود، در مقابل همگونی زمینه مساعدی برای توسعه پیوندهای اجتماعی فراهم می سازد. با توجه به ان چه گفته شد، می توان رابطه ناهمگونی را با روابط محلی و روابط فرامحلی به شرح زیر بیان داشت.

مدل توسعه خطی ناهمگونی



برقراری رابطه با افراد مشابه

- ناهمگونی در منطقه مسکونی روابط محلی را تضعیف می کند و در مقابل روابط فرامحلی را تقویت می نماید. در مورد رابطه اخیر (تاثیر مثبت ناهمگونی بر روابط فرامحلی) می توان استدلال نمود که ممکن است ساکنان مناطق ناهمگون با توجه به شرایط محل سکونت خود برای برقراری رابطه با افراد مشابه که در مناطق دیگر ساکن هستند، ترغیب شوند و این امر می تواند روابط فرامحلی را توسعه بخشد.

۲- متغیرهای فردی



- چنان چه در نمودار شماره (۱) نشان داده شده است، درکنار عوامل ساختی، متغیرهای در سطح فردی نظری **بی اعتمادی و سوء ظن، احساس نا امنی و ترس** و تعدد گره ها و هویت ها می توانند سطح پیوندهای اجتماعی افراد را تحت تاثیر قرار دهند. ما در ادامه به بررسی رابطه متغیرهای مذکور با انزوای اجتماعی می پردازیم.

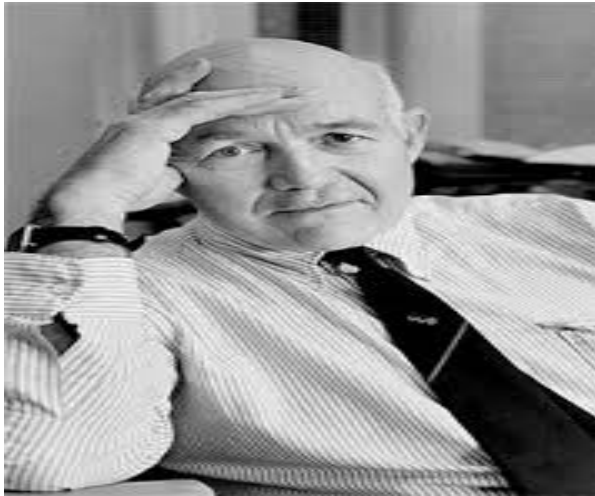
• **بی اعتمادی و سوء ظن و احساس ناامنی و ترس:** چلبی معتقد است اعتماد متقابل اجازه می دهد که تعاملات اجتماعی در جامعه به صورت گسترده و روان جاری گردند (۱۳۷۵، ۳۰). اعتماد متقابل ریشه در وابستگی عاطفی دارد که خود از طریق رابطه اجتماعی با دیگران و عضویت اجتماعی در اجتماعات حاصل می گردد. رابطه اجتماعی از یک طرف وابستگی عاطفی تولید می کند و از طرف دیگر وابستگی ایجاد شده حافظ این رابطه می گردد (همان ۱۰۱).



گیدنز

- به اعتقاد جانسون اعتماد برای رشد و گسترش روابط ضروری است. اولین بحرانی که بیشتر روابط با آن مواجه تا آن مواجه می گردند مربوط به توانایی دو شخص اعتماد کردن است و برای ایجاد ارتباط، فرد باید بتواند فضایی آکنده از اعتماد ایجاد کنند (۱۹۹۳، ۴۴)

- از دیدگاه گیدنز، ارتباط ناب منوط به اعتماد متقابل است و اعتماد متقابل نیز به نوبه خود رابطه ای نزدیک با خودمانی شدن دارد (۱۳۷۸، ۱۴۰) بر طبق نظر روس و همکاران، توانایی ایجاد روابط اجتماعی مثبت بر اعتماد است (۲۰۰۱، ۵۶۹)



جیمز کلیمن

• برخی از صاحب نظران معتقدند که اعتماد به افراد اجازه می دهد تا به همکاری بپردازند در جوامعی که در آن ها مرد می توانند مطوئن باشند که اعتماد نه تنها مورد سوء استفاد قرار نمی گیرد، بلکه جبران می شود احتمال زیادتری برای انجام دادن معاملات و مبادلات وجود دارد (پوتنام، ۱۳۸۰، ۲۹۵، کلیمن، ۱۳۷۷، ۱۵۸) و برخی دیگر نیز اعتقاد دارند که اعتماد به یکدیگر شرط تشکیل روابط ثانویه است که به نوبه خود برای مشارکت سیای موثر در هر دموکراسی وسیع لازم است (اینگلهارت، ۱۳۷۳ و پاکستون، ۲۰۰۴)



- بنابراین بر اساس آن چه گفته شد این نکته آشکار می گردد که بی اعتمادی و سوء ظن می تواند انزوای اجتماعی را تشدید نماید. وجود هر نوع تهدید به موازات خود بی اعتمادی را افزایش می دهد و عامل اخیر نیز کناره گیری از تعاملات اجتماعی را موجب می شود (چلبی ، ۱۳۷۵، ۷۷ و ۱۳۲)

بی اعتمادی و سوء ظن



محیط های تهدید کننده

- هنگامی که افراد با محیط های تهدید کننده مواجه هستند، ممکن است واکنش های مختلفی از خود نشان دهند از جمله عدم اطمینان به دیگران، دوری جستن از مکانهای خاص، اخذ تعابیر حفاظتی، تغییر فعالیت های روزمره، کاهش مشارکت در فعالیت های اجتماعی و ... مسلما موارد مذکور می توانند انزوای اجتماعی را متاثر سازند(جانگ و جانسون، ۲۰۰۱، ۱۱۰، کلینگ، ۲۰۰۱، ۱۲۰. روس و جانگ ۲۰۰۰، ۲۰۱ و گیدنز ۱۳۷۸، ۹۷)

• **تعداد گره ها و هویت ها (روابط بین گروهی)** عامل دیگری است که می تواند سطح روابط افراد را در سطوح مختلف تحت تاثیر قرار دهد. منظور از تعدد گره ها و هویت ها وجود پل هایی است که دین، قومیت، طبقه، موقعیت، منزلت و... یا هر گونه ویژگی یا خصوصیتی که گروه های اجتماعی را از هم متمایز می کند قطع می نماید. چلپی معتقد است پل های مذکور از این حیث برای جامعه تفکیک یافته امروزی اهمیت دارند که خصلت بازکنندگی داشته و موجب تسهیل و روانی اجتماعی در سطح جامعه می شوند (چلپی، ۱۳۷۵، ۱۴۸).

جامعه تفکیک یافته امروزی



- بدون تردید برای گسترش شبکه اجتماعی یک فرد منزوی یا تبدیل کردن شبکه کوچک و بسته او به شبکه های باز و بزرگتر نیاز به پل های ارتباطی است. پل های ارتباطی بین دسته های منزوی و جداگانه ارتباط برقرار می کنند.

دسته های منزوی و جداگانه



فرانسیس فوکویاما

- در واقع کسانی که از چنین پل هایی بهره مند هستند، می توانند بین دسته های مختلف و جدا از هم حرکت کرده و با جمع کثیری از افراد ارتباط برقرار کنند. این در حالی است که تحقق چنین امری برای کسانی که با افراد مشابه ارتباط دارند، امکان پذیر نیست (گوانوویتز، ۱۹۷۳؛ چلی، ۱۳۷۵؛ پوتنام؛ ۱۳۸۰؛ فوکویوما ۱۳۷۹؛ پاکستون، ۲۰۰۲؛ کی رنز و فارست، ۲۰۰۰ و بیکر، ۱۳۸۲)

افراد مشابه

- از دیدگاه چلپی، هر قدر تعداد و تنوع گره ها و پل ها بیشتر باشد، امکان برقراری ارتباط در ابعاد مختلف (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) بیشتر خواهد بود، و بر عکس فقدان گره ها و پل ها می تواند گستره و میزان پیوندهای اجتماعی را تقلیل دهد و انزوای اجتماعی را تقویت نماید. البته ضروری است این پل ها و گره ها **به شکل گروه ها و تشکیلات داوطلبانه** عمل نمایند. هر قدر خصلت داوطلبانه بودن آن بیشتر باشد، میزان روانی روابط نیز بیشتر خواهد بود (۱۳۷۵، ۱۵۴) بنابراین، بر اساس آنچه شرح داده شد، می توان گفت در حالی که اعتماد، امنیت و تعدد گره ها و هویت ها سطح روابط و پیوندهای اجتماعی را گسترش می دهند. بی اعتمادی و سوء ظن، احساس ناامنی، ترس، فقدان گره ها و هویت ها، سطح پیوند های اجتماعی را کاهش داده و انزوای اجتماعی را موجب می شوند.

۳- پیامدهای انزوای اجتماعی

- بدون تردید، انزوای اجتماعی افراد را از مشارکت غیر رسمی و رسمی در جامعه محروم می سازد. مبادله اجتماعی و دلبستگی اجتماعی را کاهش می دهد (تونیس، ۱۸۸۷، به نقل از: فیگوئرا، ۲۰۰۰؛ ۲۰-۱۸) از تبادل پایدار و دائمی افکار و احساسات از کل به فرد و از فرد به کل جلوگیری می کند (دورکیم، ۱۳۷۸، ۲۴۲) موجب تضعیف با قطع روابط و مبادلات نامتوازن گرم و همچنین روابط گفتمانی می شود (چلی، ۱۳۷۵، ۱۵۸)

مشارکت غیر رسمی و رسمی

- از احساس مشارکت در روابط گرم، صمیمی و انسانی جلوگیری می کند (فروم، ۱۳۷۰؛ ریزمن ۱۹۵۰ به نقل از الیوت و مریل، ۱۹۶۱؛ ۵۹) فرصت های مناسب را برای با هم زندگی کردن، با هم کار کردن، با هم تجربه کردن و با هم بودن سلب می کند (نیسبت، ۱۹۶۰ به نقل از پاپلین، ۱۹۷۲: ۸) و نهایتاً روابط طولانی، پایدار و عمیق را غیر ممکن می سازد (سی نت، ۱۹۹۸، به نقل از ویتل، ۲۰۰۱ و گیدنز، ۱۳۷۸) موارد یاد شده می توانند پیامدهای مختلفی از جمله احساس تنهایی، احساس عجز، یاس اجتماعی و کاهش تحمل اجتماعی را به دنبال داشته باشد.

با هم تجربه کردن

- کلرمن معتقد است احساس تنهایی از نقص در روابط نزدیک و اختلال د رهم بندی های اجتماعی یا انسجام اجتماعی ناشی می شود (۱۹۸۶) هالورسن اعتقاد دارد که احساس تنهایی عمدتاً با میزان روابط اولیه و در سطحی محدودتر با میزان و کیفیت روابط دومین و سومین یعنی مشارکت در بازار کار و فعالیت های مدنی ارتباط دارد (۲۰۰۱) مطالعات مختلف نشان می دهد که دلگرمی و تایید احساسی شکلی از حمایت اجتماعی است که فرد تنها تصور می کند در رابطه اش با دیگران مفقود است (برلسون، آلبرشت و ساراسون، ۱۹۹۴، ۱۹۷)

حمایت اجتماعی

- به اعتقاد چلپی، هر قدر در سطوح مختلف شبکه روابط اجتماعی جامعه، روابط امداد رسانی در ابعاد مختلف معرفتی (راهنمایی، مشاوره و آموزش)، مادی (کمک اقتصادی)، عاطفی (همدردی) و منزلتی (اعاده کرامت انسانی) بیشار باشد، به همان نسبت میزان یاس اجتماعی و احساس عجز کاهش می پذیرد. امداد رسانی در روابط حمایتی به افرادی که به هر دلیل در یکی از ابعاد مزبور محروم باقی مانده اند، فرصتی دوباره می دهد که استعدادهای منحصر به فرد خود را شکوفا سازند تا بتوانند در جهت خیر جمعی گام بر دارند (۱۳۷۵، ۱۵۸)

روابط امداد رسانی

فرضیه های تحقیق

- **فرضیه اول:** بین متغیر سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی منطقه و روابط و پیوندهای اجتماعی رابطه وجود دارد.
- هر چقدر سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی منطقه افزایش یابد، روابط محلی کاهش یابد.
- هر چقدر سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی منطقه افزایش یابد، احتمال گسترش روابط فرا محلی افزایش می یابد.

- **فرضیه دوم:** بین متغیر ثبات ساکنان و روابط و پیوندهای اجتماعی رابطه وجود دارد.
- - هرچقدر ثبات ساکنان بیشتر باشد، احتمال تقویت روابط محلی افزایش می یابد.
- - هرچقدر ثبات ساکنان بیشتر باشد، روابط فرا محلی می یابد.

- **فرضیه سوم:** بین متغیر ناهمگونی و روابط و پیوندهای اجتماعی رابطه وجود دارد.
- - ناهمگونی مانع از گسترش روابط محلی می شود
- - ناهمگونی روابط فرا محلی را تقویت می کند.

- **فرضیه چهارم:** متغیر بی اعتمادی و سوء ظن روابط و پیوندهای اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد.
- هر چقدر بی اعتمادی و سوء ظن افزایش یابد، سطح روابط و پیوندهای اجتماعی کاهش می یابد.

- **فرضیه پنجم:** بین متغیر احساس ناامنی و ترس و سطح روابط و پیوندهای اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد.
- هرچه قدر احساس ناامنی و ترس افزایش یابد، سطح روابط اجتماعی کاهش می یابد.

- **فرضیه ششم:** بین متغیر تعدد گره ها بر هویت ها و سطح روابط اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.
- هر چقدر تعدد گره ها و هویت ها افزایش یابد، سطح روابط اجتماعی تقویت می گردد.

- **فرضیه هفتم:** بین سطح (میزان) روابط اجتماعی و یاس اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد.
- یعنی هر چقدر سطح روابط اجتماعی کمتر باشد، یاس اجتماعی بیشتر می شود.

فرضیه هشتم: بین سطح (میزان) روابط اجتماعی و احساس عجز رابطه معکوس وجود دارد.

- یعنی هر چقدر سطح روابط اجتماعی کمتر باشد، احساس عجز بیشتر می شود.

- **فرضیه نهم:** بین سطح (میزان) روابط اجتماعی و احساس تنهایی رابطه معکوس وجود دارد.
- - یعنی هر چقدر سطح روابط اجتماعی کمتر باشد، احساس تنهایی بیشتر می شود.

- **فرضیه دهم:** بین سطح (میزان) روابط اجتماعی و تحمل اجتماعی رابطه مستقیم وجود دارد.
- -یعنی هر چقدر سطح روابط اجتماعی کمتر باشد، تحمل اجتماعی کمتر می شود.

روش تحقیق سنجش

- انزوای اجتماعی چنان که اشاره گردید، برای انزوای اجتماعی می توان پنج بعد (روابط خانوادگی، روابط محلی، روابط فرامحلی، پیوندهای انجمنی و سرمایه اجتماعی ابزاری) در نظر گرفت که در ادامه به تعریف عملیاتی آن ها می پردازیم.

روابط خانوادگی، روابط محلی، روابط فرامحلی، پیوندهای انجمنی
و سرمایه اجتماعی ابزاری

- ۱- روابط خانوادگی: این شاخص میزان روابط فکری و عاطفی فرد را با اعضای خانواده می‌سنجد
- ۲- روابط محلی: این شاخص مرکب از روابط همسایگی و روابط معاملاتی محلی است.
- ۱-۲ روابط همسایگی ناظر بر روابط غیر رسمی است که در میان افراد ساکن در یک فضای جغرافیایی یا یک محله مسکونی برقرار است.
- ۲-۲ روابط معاملاتی محلی به روابط افراد با مغازه داران فروشندگان، ارائه کنندگان کالا و خدمات (کسبه محل) که در منطقه مسکونی آن‌ها فعالیت می‌کنند ناظر است که در آن کالا و خدمات مورد نیاز طرفین مبادله می‌شود.
- ۳- روابط فرا محلی: این شاخص مرکب از تعاملات مسقیم و معاملات یا میانجی است

- ۳-۱ تعامل مستقیم یا چهره به چهره، روابطی (اتصالاتی) است که افراد ساکن در یک منطقه مسکونی را به ساکنان سایر مناطق وصل می کند، ویژگی مصرفی و اظهاری وجه غالب این نوع تعامل است.

- ۳-۲ تعامل با میانجی، تعاملی است دو طرفه که در طول زمان و مکان با استفاده از وسایل ارتباطی نظیر تلفن و ابزار الکترونیکی انجام می گیرد و افراد ساکن در یک منطقه مسکونی را به ساکن سایر مناطق وصل می کند.

- ۴- پیوندهای انجمنی: به عضویت در انجمن های داوطلبانه مرتبط است که بر اساس علایق افراد شکل می گیرد.
- ۵- سرمایه اجتماعی ابزاری: سرمایه اجتماعی ابزاری میزان دسترسی افراد را به منافع اجتماعی نشان می دهد، منابعی که از طریق پیوندهای مستقیم و غیر مستقیم قابل دسترس هستند.

- پس از تعریف عملیاتی برای هر یک از شاخص ها، معرف های مناسب تهیه و نهایتاً برای آن ها گویه یا سوال طرح گردید. در خصوص طرح گویه ها و سوالات سعی شد از سوالات بسته استفاده شود و برای آن ها امکان پاسخ ها متعدد و متنوع در نظر گرفته شد، به طوری که پاسخ گویان برای اظهار نظر درباره یک گویه فقط به **پاسخ بله / نه** محدود نمی شدند، بلکه امکان پاسخ و اظهار نظر بیشتری داشتند که این امر دقت سنجش را افزایش می داد.

دقت سنجش

متغیرهای مستقل

- متغیرهای مستقل ساختی: متغیرهای مستقل ساختی در سطح منطقه مسکونی مطرح می باشند که در این جا به اختصار به آن ها می پردازیم.

- **متغیر سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی منطقه:** متغیر مذکور بیانگر میزان بهره مندی ساکنان مناطق از منابع و امکانات مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.
- این متغیر در تهران از **ترکیب** نرخ رشد خانوار، نرخ رشد اشتغال، نرخ رشد اشتغال زنان، نسبت جمعیت دارای تحصیلات عالی، سرانه کاربری فرهنگی، نرخ رشد قیمت زمین مسکونی، قیمت مسکن، و نرخ رشد آن و هزینه (درآمد) خانوار تشکیل شده است. بر اساس این شاخص ها امتیاز کلی توسعه یافتگی در مناطق مختلف شهر تهران برآورده شده است (رفیعی، ۱۳۸۱، ۹) در شهر کرمان نیز سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی مناطق از ترکیب قیمت، زمین مسکونی، بعد خانوار، درآمد خانوار و تحصیلات ساخته شده است.

• **ثبات ساکنان:** متغیر مذکور در نقطه متقابل تحرک ساکنان قرار دارد و بیانگر مدت اقامت آنان (ساکنان) در یک منطقه مسکونی است. این متغیر از جمع داده ها در سطح فردی حاصل شده است. به این معنا که مدت اقامت پاسخگویان در هر منطقه با هم جمع و سپس میانگین آنها محاسبه شده است. هر میانگین میزان ثبات یا تحرک ساکنان را نشان می دهد. میانگین بالا نشانگر ثبات ساکنان و میانگین پایین بیانگر تحرک ساکنان می باشد.

• **ناهمگونی:** ناهمگونی بر ترکیب نامتجانس، متنوع و متفاوت دلالت دارد. منظور از ناهمگونی در بررسی حاضر میزان تفاوت هایی است که در میان ساکنان یک منطقه مسکونی وجود دارد. متغیر ناهمگونی در این بررسی از ترکیب متغیرهای بعد خانوار، تحصیلات و درآمد تشکیل شده است که به ترتیب ابعاد جمعیتی، فرهنگی و اقتصادی را نمایندگی می کنند.

- در تحقیق حاضر، برای ساختن متغیر مذکور، ابتدا آماره انحراف معیار متغیرهای بعد خانوار، تحصیلات و درآمد برای هر منطقه محاسبه شده است. سپس برای یکسان سازی مقیاس ها انحراف معیار متغیرها به نمرات Z تبدیل گردیده و نهایتاً نمرات Z متغیرها که برای هر منطقه به طور جداگانه محاسبه شده بود با هم جمع شدند.

متغیرهای مستقل فردی

- **بی اعتمادی:** بی اعتمادی بیانگر سوء ظن فرد نسبت به اطرافیان (خانواده، فامیل، دوستان، همسایگان و ..) و سایر اعضای جامعه می باشد.
- **احساس ناامنی و ترس:** احساس ناامنی و ترس بر وضعیتی دلالت دارد که در آن افراد با محیط تهدید کننده مواجه هستند.
- **تعدد گره ها و هویت ها:** منظو راز تعدد گره ها و هویت ها وجود پل هایی است که دین، قومیت، موقعیت، منزلت و ... یا هرگونه ویژگی یا خصوصیتی که گروه های اجتماعی را ازهم متمایز می کند قطع می کند.
- یادآوری این نکته لازم است که پس از تعریف و انتخاب معرف های مناسب، هر یک از متغیرها در قالب گویه ها و سوالاتی که بر مبنای مقیاس لیکرت تنظیم شده بود مورد قرار گرفتند.

پیامدهای انزوای اجتماعی

- **یاس اجتماعی:** این احساس آینده ای ناامید کننده را ترسیم می کند و احساس منفی افراد را نسبت به آینده نشان می دهد.
- **احساس عجز:** احساس عجز به معنای فقدان کنترل بر روی رویدادهای فردی و جمعی است، کسانی که دچار این وضعیت هستند، احساس می کنند بر اوضاع کنترلی ندارند و تاثیرگذار نیستند.
- **احساس تنهایی:** تجربه ای ذهنی و روانی است که از نقص در روابط اجتماعی ناشی می شود.
- **تحمل اجتماعی:** تحمل اجتماعی بر پذیرش تفاوت ها به عنوان یک امر طبیعی و واقعی دلالت دارد.

جامعه آماری:

- تحقیق حاضر دارای دو جامعه آماری و به تبع آن دارای دو نمونه تحقیق است. جامعه آماری شامل:
 - ۱- مناطق بیست گانه تهران و مناطق سه گانه کرمان
 - ۲- شهروندان بین ۲۰ تا ۷۰ ساکن در مناطق مسکونی تهران و کرمان

دو جامعه آماری

- انتخاب نمونه نیز بر اساس دو جامعه آماری صورت گرفته است، به نحوی که:
- ۱- یک نمونه با حجم ۳۲ محله و شهرک از مناطق مسکونی (برای تهران نمونه ای معادل ۳۰ محله و شهرک برای کرمان نمونه ای معادل ۱۲ محله و شهرک) انتخاب شد.
- ۲- یک نمونه با حجم ۷۳۴ نفر بین سنین ۲۰ تا ۷۰ سال (برای تهران نمونه ای معادل ۵۳۰ نفر و برای کرمان نمونه ای معادل ۱۲ محله و شهرک) انتخاب شد.

توصیف آماری شاخص های جزء بر حسب شهر

- جدول شماره (۱) میانگین و انحراف معیار هر یک از شاخص های تشکیل دهنده انزوای اجتماعی را نشان می دهد. نتایج به دست آمده نشان می دهد که میزان روابط فکری و عاطفی (همدلی، همفکری، همراهی و گفت و گوی جمعی) در میان اعضای خانواده، قابل توجه می باشد. میانگین روابط خانوادگی (نمونه کل) معادل ۷۸ است که بر مبنای یک مقیاس صفر تا ۱۰۰ بیش از حد متوسط ارزیابی می شود..

میانگین و انحراف معیار

- میانگین مذکور بیانگر این واقعیت است که خانواده هنوز مهم ترین منبع انسجام اجتماعی است. درباره روابط محلی (روابط همسایگی و روابط معاملاتی محل) یافته ها نشان می دهد که میانگین شاخص مذکور معادل ۳۱ است که بر مبنای مقیاس صفر تا ۱۰۰ کمتر از حد متوسط ارزیابی می شود. هنگامی که روابط محلی به تفکیک شاخص های تشکیل دهنده آن مورد بررسی قرار گیرد، داده های موجود نشان می دهد که روابط همسایگی ۴۲ بیشتر از روابط معاملاتی ملی ۲۰ است

خانواده هنوز مهم ترین منبع
انسجام اجتماعی است.

• **درباره روابط فرامحلی** (معاملات مستقیم، تعاملات با میانجی) یافته های موجود نشان می دهد که میانگین روابط فرامحلی معادل ۳۹ است و همچنین میانگین تعاملات مستقیم و تعاملات با میانجی به ترتیب معادل ۲۵ و ۳۳ می باشد. با توجه به این که تعاملات با میانجی مراکب از ارتباطات تلفنی و الکترونیکی است و همچنین ارتباطات مذکور شکل مختلفی (ارتباط در سطح شهر، در سطح کشور و خارج از کشور) به خود می گیرد.

- بنابراین اگر بخواهیم از مقایسه تعاملات مستقیم و تعاملات با میانجی به نتیجه واقعی دست یابیم، لازم است که تعاملات مستقیم را تنها با میزان ارتباط تلفنی در سطح شهر مقایسه کنیم. در این صورت نتایج نشان می دهد که میانگین ارتباطات با میانجی معادل ۶۸ است که بسیار بیشتر از تعاملات مستقیم می باشد.

مقایسه تعاملات مستقیم و تعاملات با میانجی

جدول شماره ۱. آماره‌های شاخص‌های^۱ تشکیل دهنده انزوای اجتماعی به تفکیک شهر

شهر	نمونه کل		تهران		کرمان	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
روابط خانوادگی	۷۸	۱۹	۷۸	۱۹	۷۷	۲۰
روابط محلی	۳۱	۱۴	۳۲	۱۵	۳۰	۱۳
روابط همسایگی	۳۲	۲۰	۳۲	۲۱	۴۰	۱۹
روابط معاملاتی محلی	۲۰	۱۳	۲۱	۱۴	۱۹	۱۳
روابط فرامحلی	۳۹	۱۷	۳۹	۱۸	۳۹	۱۶
تعاملات مستقیم	۴۵	۲۴	۴۳	۲۳	۴۹	۲۵
تعاملات با میانجی	۳۳	۱۹	۳۳	۱۹	۳۱	۱۶
پیوندهای انجمنی	۷	۱۴	۸	۱۵	۴	۱۱
سرمایه اجتماعی ابزاری	۳۹	۲۰	۳۷	۲۰	۴۳	۲۰
شاخص ترکیبی روابط و سرمایه اجتماعی	۳۹	۱۱	۳۹	۱۱	۳۹	۱۱

- در مورد شاخص روابط فرامحلی دو نکته قابل توجه است. اول اینکه مقایسه شاخص ها نشان می دهد که میزان روابط فرامحلی بیشتر از روابط محلی است. نکته دوم در مورد روابط فرامحلی این است که یافته های تحقیق به وضوح سطح بالای روابط خویشاوندی (میانگین معادل ۶۹) را در شهرهای بزرگ نشان می دهد. یافته های موجود بیانگر این واقعیت است که نظام خویشاوندی علی رغم مشکلات و محدودیت های موجود (محدود بودن اوقات فراغت، شرایط دشوار اقتصادی، مشکلات ترافیکی و رفت و آمد و ...) هنوز نقش تاریخی خود را حفظ کرده است.

نقش تاریخی خود

- اما افراد در روابط اجتماعی برای اقوام و خویشاوندان خود اولویت ویژه ای قایل هستند. در واقع می توان گفت که خویشاوندی به عنوان قوی ترین شکل ارتباط اجتماعی باقی مانده است.
- در مورد پیوندهای انجمنی، نتایج به دست آمده نشان می دهد که میانگین عضویت پاسخ گویان رد انجمن های داوطلبانه معادل ۷ می باشد که بسیار پایین است همچنین یافته های موجود نشان می دهند که میانگین سرمایه اجتماعی پاسخ گویان معادل ۳۹ است در مجموع نتایج به دست آمده نشان می دهد که میانگین روابط و سرمایه اجتماعی پاسخگویان معادل ۳۹ می باشد و بر مبنای مقیاس صفر تا ۱۰۰ کمتر از حد متوسط ارزیابی می شود.

اقوام و خویشاوندان

- بنابراین می توان نتیجه گرفت که میزان انزوای اجتماعی با توجه به شاخص های مورد بحث بیش از حد متوسط می باشد. اگر به مقایسه شاخص های تشکیل دهنده انزوای اجتماعی به تفکیک دو شهر تهران و کرمان بپردازیم، نتایج به دست آمد، نشان می دهد که میزان تعاملات مستقیم و سرمایه اجتماعی ابزاری پاسخگویان کرمانی بیش از پاسخگویان تهرانی است و در مقابل تعاملات با میانجی و پیوندهای انجمنی در تهران بیش از کرمان می باشد.

بیش از حد متوسط

الگوسازی خطی سلسله مراتبی (HLM)

- ما در بررسی تاثیرات متغیرهای مستقل بر انزوای اجتماعی و شاخص های تکمیل دهنده آن یک مدل دو سطحی را به کار می گیریم. مدل مذکور شامل دو زیر مدل در سطح یک و دو است. مدل سطح یک رابطه متغیرهای فردی را با انزوای اجتماعی نشان می دهد و مدل سطح دو تاثیر متغیرهای ساختی را بر آن بیان می کند. نتایج به دست آمده در این زمینه در جدول شماره (۲) مندرج است . دراین تحلیل ابتدا رابطه متغیرهای ساختی با روابط محلی، روابط فرامحلی و شاخص ترکیبی روابط و سرمایه اجتماعی گزارش می شود سپس رابطه متغیرهای فردی با شاخص های مذکور بررسی خواهد شد.

یک مدل دو سطحی

- سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی منطقه: چنان که در جدول شماره (۲) ملاحظه می شود، ضرایب رگرسیون سلسله مراتبی نشان می دهد که تاثیر متغیر سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی منطقه بر روی روابط محلی (۰/۳۳-) کاهنده است و از طرف دیگر تاثیر متغیر مذکور بر روی روابط فرامحلی (۰/۳۳) است و آن را تقویت می کند. به عبارت دیگر، با افزایش سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی منطقه روابط محلی کاهش می یابد و در مقابل روابط فرامحلی تقویت می گردد.

ثبات ساکنان:

- چنان که در جدول (۲) ملاحظه می شود، تاثیر متغیر ثابت ساکنان بر روی روابط محلی (۰/۳۶) معنی دار است. یافته های موجود نشان می دهد که ثبات ساکنان (اقامت طولانی در منطقه یا محله مسکونی) شناخت همسایه هارا از یکدیگر بیشتر می کند. تعداد دوستان و آشنایان را در محله مسکونی افزایش می دهد و به طور کلی انسجام اجتماعی را در سطح اجتماعی محلی تقویت می نماید. همچنین تاثیر متغیر مذکور بر روی روابط فرامحلی (۰/۱۸-) است و به عنوان عامل بازدارنده عمل می کند و کمتر اجازه می دهد شبکه اجتماعی ساکنان به بیرون از اجتماع محلی (همسایگی) گسترش یابد.

عامل بازدارنده

- در واقع یافته های موجود نشان می دهد که ثبات ساکنان روابط محلی را افزایش می دهد و در مقابل با کاهش روابط فرامحلی زمینه مساعدی برای انزوای اجتماعی ساکنان از اجتماع وسیع تری شهری فراهم می شود. همچنین تحرک ساکنان روابط فرامحلی را توسعه می بخشد و در مقابل با کاهش روابط محلی زمینه مساعدی برای انزوای اجتماعی ساکنان از اجتماع محلی ایجاد می کند. نتایج این بررسی فرضیه نظریه پردازان مدل نظام مند (کاساردا و جان ویتز، ۱۹۷۴؛ سامسون و گراوز، ۱۹۸۹ و ...) مبی بر این که ثبات ساکنان روابط محلی و فرامحلی را متاثر می سازد تایید می نماید.

تحرک ساکنان روابط فرامحلی

• **ناهمگونی:** نتایج تحلیل سلسله مراتبی نشان می دهد در حالی که متغیر ناهمگونی تاثیر چندانی بر روی روابط محلی ندارد، با وجود این تاثیر متغیر مذکور بر روی روابط فرا محلی (۵۳/۰) معنی دار است. در واقع مناطقی که ساکنان آن به لحاظ اقتصادی (درآمد)، فرهنگی (تحصیلات) و جمعیتی (بعد خانوار) ناهمگونی بیشتری دارند، از روابط فرا محلی بیشتری نیز برخوردار می باشند و بالعکس.

روابط محلی

جدول شماره ۲. تحلیل رگرسیون خطی سلسله مراتبی انزوای اجتماعی

متغیرهای مستقل	روابط محلی	روابط فرامحلی	روابط خانوادگی	پیوندهای انجمنی	سرمایه اجتماعی ایزاری	شاخص ترکیبی روابط و سرمایه اجتماعی
— متغیرهای ساختی (منطقه مسکونی)						
سطح توسعه اقتصادی-اجتماعی منطقه	-۱/۰۹ (۰/۰۰۰)	۰/۳۳ (۰/۰۴۵)	-۰/۰۳ (۰/۸۵۷)	۰/۰۱ (۰/۷۴۷)	۰/۰۲ (۰/۹۵۲)	-۰/۷۵ (۰/۱۷۹)
ثبات ساکنان	۰/۳۶ (۰/۰۱۲)	-۰/۱۸ (۰/۰۰۲)	-۰/۰۴ (۰/۲۰۷)	۰/۰۱ (۰/۰۹۵)	-۰/۱۳ (۰/۰۰۷)	۰/۰۰۷ (۰/۹۶۸)
ناهمگونی	۰/۲۲ (۰/۴۷۳)	۰/۵۳ (۰/۰۰۲)	۰/۰۱ (۰/۹۱۹)	۰/۰۲ (۰/۴۱۷)	۰/۳۸ (۰/۱۲۸)	۱/۱۷ (۰/۰۵۰)
— متغیرهای فردی						
بی‌اعتمادی و سوءظن	-۱/۲۳ (۰/۰۰۰)	-۰/۳۶ (۰/۰۰۰)	-۰/۲۶ (۰/۰۰۰)	-۰/۰۴ (۰/۰۲۵)	-۰/۲۸ (۰/۰۰۰)	-۲/۱۸ (۰/۰۰۰)
احساس ناامنی و ترس	-۰/۱۹ (۰/۰۴۷)	-۰/۲۶ (۰/۰۰۰)	-۰/۱۲ (۰/۰۲۸)	-۰/۰۱ (۰/۱۱۲)	-۰/۲۶ (۰/۰۰۰)	-۰/۸۵ (۰/۰۰۰)
تعدد گردها و هویت‌ها (روابط بین گروهی)	۰/۸۳ (۰/۰۰۰)	۰/۴۳ (۰/۰۰۰)	۰/۱۰ (۰/۱۳۸)	۰/۰۲ (۰/۰۶۳)	۰/۳۳ (۰/۰۰۰)	۱/۷۴ (۰/۰۰۰)
ثابت	۱۹/۷۳	۱۰/۸۳	۱۷/۶۳	۰/۳۵	۸/۱۱	۵۶/۶۷

- با توجه به آنچه گفته شد، بر مبنای نتایج به دست آمده، این فرضیه نظریه پردازان توسعه خطی (تونیس، ۱۳۸۱. زیمل، ۱۳۷۲ و وبرث، ۱۹۳۸) که ناهمگونی روابط محلی را کاهش می دهد و موجب انزوای اجتماعی افراد در اجتماع محلی می شود تایید نمی گردد. اما با وجود این یافته های موجود این فرضیه را که ناهمگونی در منطقه مسکونی موجب تقویت روابط فرامحلی می شود تایید می کند.

نظریه پردازان توسعه خطی

متغیرهای فردی

- چنانکه جدول شماره (۲) نشان می دهد، تاثیر متغیر بی اعتمادی و سوء ظن بر روی شاخص ترکیبی روابط و سرمایه اجتماعی ($-۲/۱۸$) معنی دار است. در واقع یافته های موجود نشان می دهد، در حالی که اعتماد و حسن ظن، روابط اجتماعی را تسهیل می کند، بی اعتمادی و سوء ظن سطح روابط و سرمایه اجتماعی را کاهش می دهد و موجب انزوای اجتماعی می شود. در مورد متغیر احساس ناامنی و ترس، نتایج تحلیل نشان می دهد که تاثیر متغیر مذکور بر روی شاخص ترکیبی روابط و سرمایه اجتماعی ($-۰/۸۵$) کاهنده است.

اعتماد

- به عبارت دیگر، فردی که احساس ناامنی و ترس بیشتری داشته و محیط پیرامون خود را تهدید آمیز ارزیابی کرده اند، روابط و سرمایه اجتماعی کمتری نیز داشته اند. به طور کلی، یافته های تحقیق دیدگاه چلپی (۱۳۷۵)، کلمن (۱۳۷۷)، گیدنز (۱۳۷۸)، جانسون (۱۹۹۳)، روس، میراوسکی و پریش (۲۰۰۱) که معتقدند بی اعتمادی و سوء ظن و احساس ناامنی و ترس مانع گسترش روابط اجتماعی می شوند و انزوای اجتماعی را موجب می گردند تایید می کند.

روابط و سرمایه اجتماعی
کمتر

- همچنین یافته های موجود نشان می دهد که تاثیر متغیر تعدد گره ها و هویت ها بر روی روابط و سرمایه اجتماعی (۱/۷۲) است و ان را تقویت می کند. تاثیر این عامل مذکور نشانگر این واقعیت است که برای گسترش روابط اجتماعی ما ناگزیر به ایجاد پل هایی هستی که بتوانند از مرزهای مذهبی، قومی، طبقاتی و منزلتی و ... عبور کنند و افراد را از قید و بند گروه های بسته و منزوی رها سازند. رابطه مستقیم و معنی دار تعدد گره ها و هویت ها با سطح روابط اجتماعی دیدگاه چلیپی (۱۳۷۵) را که معتقد است تعداد گره ها و هویت ها موجب تسهیل و روانی روابط اجتماعی می شوند و فقدان آن ها انزوای اجتماعی را به دنبال دارد تایید می کند.

انزوای اجتماعی و پیامدهای آن

- چنان که اشاره گردید، انزوای اجتماعی می تواند به عنوان یک عامل مستقل نتایج مختلفی را به دنبال داشته باشد، از جمله: یاس اجتماعی، احساس عجز، احساس تنهایی و کاهش تحمل اجتماعی.

یک عامل مستقل

- چنان که در جدول شماره (۳) ملاحظه می شود، همبستگی ها نشان می دهد که با گسترش روابط و سرمایه اجتماعی یاس اجتماعی، احساس عجز و احساس تنهایی کاهش می یابد و بالعکس کاهش یا تضعیف روابط و سرمایه اجتماعی (انزوای اجتماعی) زمینه مساعدی برای تقویت یاس اجتماعی، احساس عجز و احساس تنهایی فراهم می سازد.

یاس اجتماعی، احساس عجز و احساس تنهایی

- از طرف دیگر، با توسعه سطح روابط و سرمایه اجتماعی، تحمل اجتماعی افزایش می یابد و با کاهش سطح روابط و سرمایه اجتماعی (انزوای اجتماعی) تحمل اجتماعی کاهش می یابد. رابطه همبستگی معکوس و معنی دار سطوح روابط و سرمایه اجتماعی با یاس اجتماعی، احساس عجز و احساس تنهایی و همچنین رابطه مستقیم و معنی دار روابط و سرمایه اجتماعی یا تحمل اجتماعی دیدگاه کلرمن (۱۹۸۶)، هالورسن (۲۰۰۱)، چلی (۱۳۷۵) و پاکستون (۲۰۰۲) را تایید می کند.

احساس عجز، احساس تنهایی و تحمل اجتماعی

تحمل اجتماعی	احساس تنهایی	احساس عجز	یاس اجتماعی	
۰/۱۱۲ (۰/۰۰۲)	-۰/۳۵۹ (۰/۰۰۰)	-۰/۳۲۴ (۰/۰۰۰)	-۰/۰۹۴ (۰/۰۱۱)	شاخص ترکیبی روابط و سرمایه اجتماعی

تحلیل رگرسیون خطی سلسله مراتبی پیامدهای انزوای اجتماعی

- جدول شماره (۴) تاثیر تغییرهای ساختی (سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی منطقه، ثبات ساکنان و ناهمگونی) و فردی (بی اعتمادی و سوء ظن، احساس ناامنی و ترس، تعدد گره ها و هویت ها و شاخص ترکیبی روابط و سرمایه اجتماعی) را بر پیامدهای انزوای اجتماعی (یاس اجتماعی، احساس عجز، احساس تنهایی و تحمل اجتماعی) نشان می دهد که در ادامه به بررسی آن ها می پردازیم. طبق جدول مزبور، از میان متغیرهای ساختی، تاثیر مثبت سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی منطقه بر یاس اجتماعی و تحمل اجتماعی قابل توجه است.

یاس اجتماعی و تحمل اجتماعی



اطلاع از محیط پیرامون

- تاثیر سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی منطقه بر یاس اجتماعی (۰/۳۵) مثبت است. رابطه مذکور نشان می دهد که میزان یاس اجتماعی مناطق توسعه یافته بیشتر از ساکنان مناطق محروم است. در توضیح این رابطه می توان به سطح تحصیلات و آگاهی ساکنان مناطق توسعه یافته اشاره نمود که عموماً بیشتر از ساکنان مناطق محروم است، اطلاع از محیط پیرامون و تحولات و رویداد ها و همچنین آگاهی از مشکلات، ضعف ها و کاستی ها می تواند امید افراد را نسبت به آینده تضعیف کند و در مقابل یاس اجتماعی را در آن ها تقویت نماید.



تحمل اجتماعی ساکنان

- همچنین نتایج به دست آمده نشان می دهد که تاثیر سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی منطقه بر تحمل اجتماعی (۰/۲۱) معنی دار است. یعنی این که با افزایش سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی منطقه، تحمل اجتماعی ساکنان افزایش می یابد، بالا بودن سطح تحصیلات، محدود نبودن روابط ساکنان مناطق توسعه یافته به اجتماع محلی، ارتباط با اجتماع وسیع تر شهری و برخورداری ان ها از شبکه های متنوع فرامحلی ، تاثیر مثبت متغیر سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی منطقه بر روی تحمل اجتماعی را تبیین می کند.



احساس عجز و احساس
تنهایی

• در مورد تاثیر متغیرهای فردی بر روی پیامدهای انزوای اجتماعی، نتایج به دست آمده نشان می دهد که تاثیر متغیر بی اعتمادی و سوء ظن بر احساس عجز و احساس تنهایی به ترتیب ۰/۱۳ و ۰.۲۳ است. یعنی این که با افزایش **بی اعتمادی و سوء ظن** که نشانگر عدم اطمینان و اتکا فرد به دیگران است، احساس عجز و احساس تنهایی تقویت می گردد. همچنین یافته های موجود نشان می دهند که احساس ناامنی و ترس یاس اجتماعی (۰/۱۷) و احساس تنهایی (۰/۱۳) را تقویت می کند.

- به عبارت دیگر، هنگامی که افراد محیط پیرامون خود را تهدید آمیز ارزیابی می کنند و علاوه بر آن دارای ین احساس هستند که برای جلوگیری از آسیب های احتمالی می توانند اقدام موثری انجام دهند، یاس اجتماعی و احساس تنهایی تقویت می گردد. در مورد تاثیر متغیر تعدد گره ها و هویت ها، نتایج نشان می دهد که تاثیر عامل مذکور بر تحمل اجتماعی (۰/۰۶) معنی دار است. یعنی این که تعدد گره ها و هویت ها تحمل اجتماعی را تقویت می کند و فقدان گره ها و هویت ها تحمل اجتماعی را تضعیف می نماید. در تبیین رابطه مذکور می توان به **نقش تعدد گره ها و هویت ها در تعمیم عاطفی افراد و تعهد درونی آن ها** به دیگران اشاره نمود.

جدول شماره ۴. تحلیل رگرسیون خطی سلسله‌مراتبی پیامدهای انزوای اجتماعی

متغیرهای مستقل	پاس اجتماعی	احساس عجز	احساس تنهایی	تحمل اجتماعی
متغیرهای در سطح ساختی				
سطح توسعه اقتصادی-اجتماعی	۰/۳۵ (۰/۰۱۹)	۰/۰۴ (۰/۶۷۳)	-۰/۱۳ (۰/۱۶۸)	۰/۲۱ (۰/۰۰۶)
ثبات ساکنان	۰/۰۸ (۰/۰۷۸)	۰/۰۲ (۰/۵۴۰)	۰/۰۳ (۰/۳۲۶)	۰/۰۲ (۰/۲۸۵)
ناهمگونی	۰/۰۱ (۰/۹۳۸)	۰/۰۸ (۰/۴۰۳)	-۰/۱۰ (۰/۱۴۵)	۰/۰۲ (۰/۶۷۰)
متغیرهای در سطح فردی				
بی‌اعتمادی و سوءظن	۰/۰۳ (۰/۵۵۶)	۰/۱۳ (۰/۰۰۰)	۰/۲۳ (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۴ (۰/۸۷۵)
احساس ناامنی و ترس	۰/۱۷ (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۲ (۰/۹۳۸)	۰/۱۳ (۰/۰۰۰)	۰/۰۱ (۰/۳۹۷)
تعدد گروه‌ها و هویت‌ها	-۰/۱۶ (۰/۰۰۳)	۰/۰۲ (۰/۵۲۸)	-۰/۰۴ (۰/۳۷۰)	۰/۰۶ (۰/۰۴۴)
شاخص ترکیبی روابط و سرمایه اجتماعی	-۰/۰۱ (۰/۲۹۵)	-۰/۰۳ (۰/۰۰۰)	-۰/۰۵ (۰/۰۰۰)	۰/۰۱ (۰/۰۳۱)
ثابت	۱۸/۸۸	۶/۲۶	۷/۱۴	۵/۶۹

- از دیدگاه چلیپی (۱۳۷۵) در صورتی که در ساخت شبکه تعاملات جامعه روابط بین گروهی (تعدد گره ها یا هویت ها) قابل ملاحظه باشد، این خود به تقویت وابستگی عاطفی تعمیم یافته کمک می کند و در مقابل وابستگی عاطفی تعمیم یافته روابط بین گروهی را در شبکه تعاملات تقویت می نماید.

تقویت وابستگی عاطفی تعمیم یافته

- با توسعه روابط بین گروهی (تعدد گره ها و هویت ها) و تقویت وابستگی عاطفی، تحمل اجتماعی نیز افزایش می یابد. در حقیقت تحمل اجتماعی یا سعه صدر افراد بستگی به نوع وابستگی عاطفی آن ها دارد. اگر آنها میل به وابستگی عاطفی تعمیم یافته را در نظام شخصیتی خود کسب کرده باشند، همه انسان ها را از خود می دانند و در مقابل همه احساس تعهد و تکلیف می کنند. در واقع همه اعضای جامعه در تعریف آن ها از دوستی جای می گیرند.

احساس تعهد و تکلیف

- همچنین نتایج به دست آمده نشان می دهد که متغیر سطح روابط و پیوندهای اجتماعی احساس عجز و احساس تنهایی را به شکل معنی داری کاهش می دهد و در مقابل تحمل اجتماعی را تقویت می کند. به طور کلی، آنچه از نتایج مربوط به تحلیل رگرسیون خطی سلسله مراتبی پیامدهای انزوای اجتماعی استنباط می شود از این قرار است:

تحلیل رگرسیون خطی
سلسله مراتبی

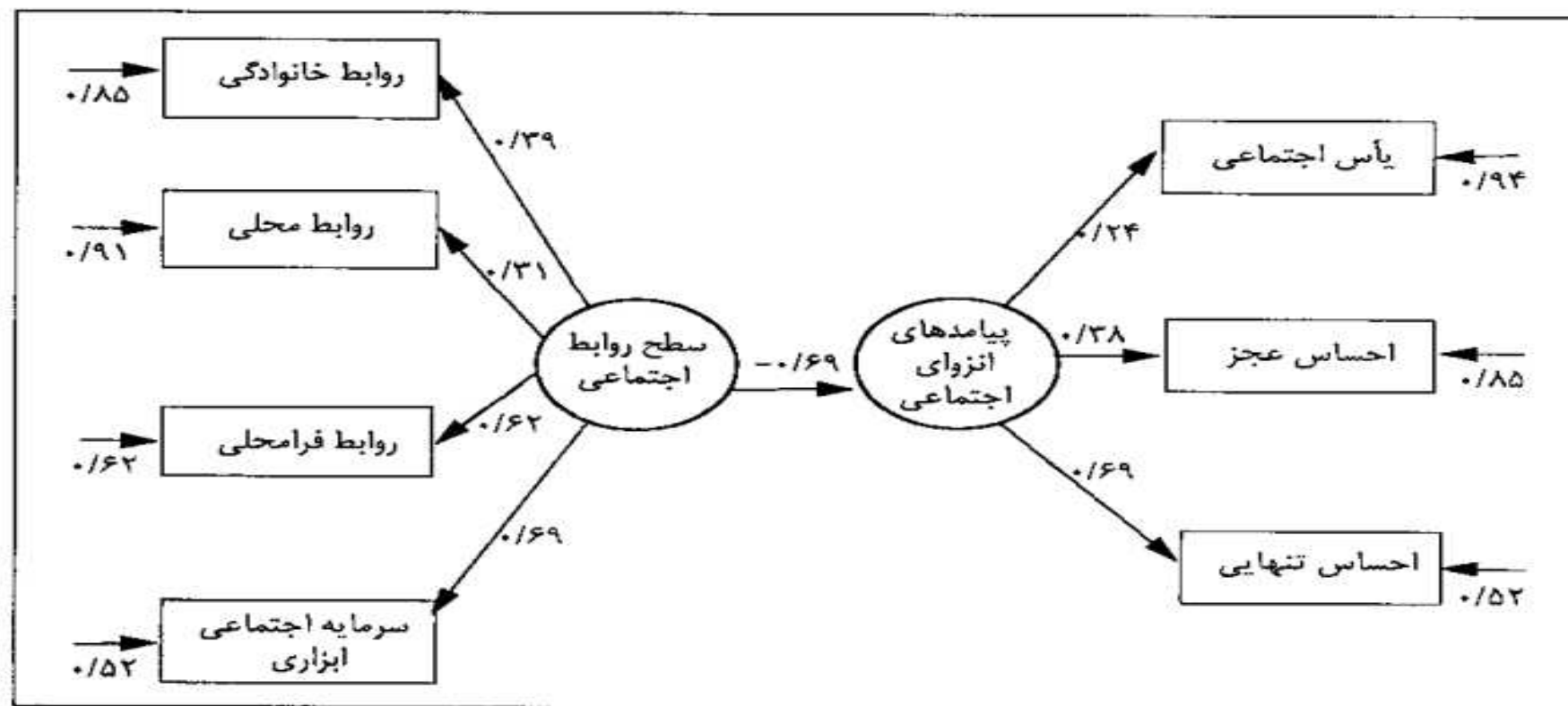
- ۱- تاثیر سطح روابط و پیوندهای اجتماعی بر پیامدهای انزوای اجتماعی (احساس عجز، احساس تنهایی و تحمل اجتماعی) حتی هنگامی که با سایر متغیرهای ساختی و فردی وارد معادله می شود معنی دار است
- ۲- تاثیر متغیرهای ساختی و فردی بر روی پیامدهی انزوای اجتماعی می تواند به **دو طریق** اعمال گردد:

• ۱-۲ **تأثیر غیر مستقیم** یعنی تأثیری که بر سطح روابط و پیوندهای اجتماعی دارند. چنان که برای مثال متغیر بی اعتمادی و سوء ظن موجب کاهش روابط و سرمایه اجتماعی می شود و کاهش روابط و سرمایه اجتماعی نیز به نوبه خود احساس عجز را تقویت می کند. این در واقع تأثیر غیر مستقیم هر یک از متغیرهای ساختی و فردی بر پیامدهای انزوای اجتماعی است.

- **۲-۲ تاثیر مستقیم** هر یک از متغیرهای ساختی و فردی بر پیامدهای انزوای اجتماعی است. برای مثال، متغیر بی اعتمادی و سوء ظن علاوه بر تاثیر غیرمستقیم که از طریق عامل میانجی روابط و پیوندهای اجتماعی صورت می گیرد، مستقیماً نیز احساس عجز را تقویت می کند.
- بنابراین، تحلیل رگرسیون خطی سلسله مراتبی پیامدهای انزوای اجتماعی را می توان برای بررسی تاثیر مستقیم متغیرهای ساختی و فردی بر پیامدهای انزوای اجتماعی مورد بحث قرار داد.

متغیرهای ساختی و
فردی

- نتایج تحلیل معادلات ساختاری در نمودار شماره (۲) معکس است. چنان که ملاحظه می شود، مهم ترین معرف متغیر مکنون (روابط و پیوندهای اجتماعی) سرمایه اجتماعی ابزاری است و پس از آن به ترتیب روابط فرامحلی، روابط خانوادگی و روابط محلی قرار دارند. همچنین معرف های پیامدهای انزوای اجتماعی به ترتیب اهمیت احساس تنهایی، احساس عجز و یاس اجتماعی هستند. **نتایج به دست آمده نشان می دهد که میزان تاثیر روابط و سرمایه اجتماعی بر روی پیامدهای انزوای اجتماعی (-0/69) منفی است.** یعنی این که روابط در سرمایه اجتماعی (به استثنای تحمل اجتماعی) دارد و بالعکس، انزوای اجتماعی اثر تقویت کننده و موثری بر یاس اجتماعی، احساس عجز و احساس تنهایی اعمال می کند.



نمودار ۲. مدل لیزرل: عوامل مؤثر بر پیامدهای انزوای اجتماعی

Chi-Square = ۱۱۴/۴۵

df = ۱۳

P.value = ۰/۰۰۰

RMSEA = ۰/۱۰۳

- بنابراین بر اساس نتایج به دست آمده، می توان انتظار داشت اگر سطح روابط و سرمایه اجتماعی افراد افزایش یابد، از میزان یاس اجتماعی، احساس عجز و احساس تنهایی آن ها کاسته شود، و بالعکس با کاهش روابط و سرمایه اجتماعی (انزوای اجتماعی) یاس اجتماعی، احساس عجز و احساس تنهایی تقویت گردد.

سطح روابط و سرمایه اجتماعی افراد

- ذکر این نکته لازم است که به منظور بررسی برازش مدل پیشنهادی چند شاخص مورد توجه قرار گرفت. **یکی این شاخص ها شاخص نیکویی برازش (GFI) است، دامنه تغییرات شاخص مذکور بین صفر و یک است.** هر چقدر مقدار محاسبه شده به یک نزدیک تر باشد بیانگر برازش بهتر مدل است. در مدل حاضر (GFI) معادل ۰/۹۶ به دست آمده است. بنابراین می توان گفت که مدل دارای برازش نسبتا خوبی است، شاخص دیگر مقیاس نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI) است. شاخص مذکور تا حدی نسبت به حجم نمونه و درجات آزادی مدل معیار (GFI) را تعدیل می کند.

- مقدار (AGFI) از صفر تا یک است و مقادیر نزدیک به یک نشان دهنده نیکویی برازش مدل است. در تحقیق حاضر میزان (AGFI) معادل (۰/۹۱) است که برازش مدل را تایید می کند. همچنین می توان به محاسبه شاخص (NFI) اشاره نمود که میزان آن معادل ۰/۸۴ به دست آمده است. این مقدار نزدیک به ۰/۹۰ است که نشان دهنده برازش قابل قبول است.

نتیجه گیری و پیشنهاد

- نتایج این تحقیق نشان می دهد که در مجموع روابط فکری و عاطفی (همدلی، همفکری، همراهی و...) در میان اعضا خانواده قابل توجه می باشد و در مقابل سهم پیوندهای انجمنی یا عضویت در انجمن های داوطلبانه بسیار ناچیز است. همچنین یافته ها نشان می دهد که میزان روابط فرامحلی بیش از روابط محلی است. در بررسی علل و عوامل موثر بر انزوای اجتماعی، نتایج به دست آمده نشان می دهد که با افزایش سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی منطقه روابط محلی کاهش می یابد و در مقابل روابط فرامحلی تقویت می گردد.

سهم پیوندهای انجمنی یا عضویت در
انجمن های داوطلبانه



- متغیر ثبات ساکنان نیز همانند متغیر سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی منطقه تاثیر دوگانه را بر شاخص های تشکیل دهنده انزوای اجتماعی نشان می دهد به طوری که ثبات ساکنان روابط فرامحلی و پل های بیرونی را تضعیف می کند و تحرک ساکنان از گسترش روابط محلی جلوگیری می کند. در مورد متغیر ناهمگونی، یافته های موجود نشان می دهد که هر چند عامل مذکور تاثیر چندانی بر روابط محلی ندارد، با وجود این تاثیر آن بر روابط فرامحلی قابل ملاحظه می باشد. در مورد متغیرهای فردی نتایج به دست آمده نشان می دهد، در حالی که اعتماد، امنیت و تعدد گره ها و هویت ها سطح روابط اجتماعی را تقویت می کنند، **بی اعتمادی و سوء ظن احساس ناامنی و ترس و فقدان گره ها و هویت ها**، انزوای اجتماعی را موجب می شوند.

- در مجموع نتایج تحقیق دیدگاه فقر شهری (پارک، ۱۹۱۶-۱۹۲۵؛ ویلسون، ۱۹۸۷؛ فرناندز و هریس، ۱۹۹۲ و...) مدل نظام مند (کاساردا و جان ویتز؛ ۱۹۷۴؛ سامسون و گراوز، ۱۹۸۰ و ...) و تئوری نظم اجتماعی (چلیپی، ۱۳۷۵) را تایید می کند و در مقابل توسعه خطی (تونیس، ۱۳۸۱؛ زیمل، ۱۳۷۲؛ ویرث، ۱۹۳۸) در زمینه عدم تاثیر متغیر ناهمگونی بر روابط محلی را با چالش مواجه می سازد.

- در مورد تاثیر ابعاد انزوای اجتماعی بر پیامدهای آن نتایج به دست آمده حاکی از این است که با افزایش سطح روابط اجتماعی، یاس اجتماعی، احساس عجز و احساس تنهایی کاهش می یابد و در مقابل تحمل اجتماعی تقویت می گردد و بالعکس نتایج حاصل از الگوسازی معادلات ساختاری نشان می دهد که روابط و سرمایه اجتماعی (به استثنای پیوندهای انجمنی) تاثیر کاهنده و موثری بر یاس اجتماعی، احساس عجز و احساس تنهایی دارد.

افزایش سطح روابط اجتماعی

- همچنین در بررسی تحلیل رگرسیون خطی سلسله مراتبی پیامدهای انزوای اجتماعی این نکته آشکار می گردد که با توسعه سطح روابط و سرمایه اجتماعی، احساس عجز و احساس تنهایی کاهش می یابد و در مقابل **تحمل اجتماعی** تقویت می گردد و بالعکس به طور کلی، بررسی و مقایسه نتایج حاصل از همبستگی هاف تحلیل رگرسیون خطی سلسله مراتبی و الگو سازی معادلات ساختاری نشان میدهد که بیشترین میزان تاثیر روابط و پیوندهای اجتماعی و احساس عجز و احساس تنهایی است و پس از آن یاس اجتماعی و تحمل اجتماعی قرار دارند. در مجموع، نتایج به دست آمده دیدگاه کلرمن (۱۹۸۶)، هالورسن (۲۰۰۱)، چلیپی (۱۳۷۵) و پاکستون (۲۰۰۲) را مبنی بر این که روابط اجتماعی یاس اجتماعی، احساس تنهایی را کاهش می دهد و در مقابل تحمل اجتماعی را تقویت می نماید تایید می کند.

- در خاتمه، بر اساس یافته های این مطالعه، به اجمال پیشنهاداتی در خصوص مسئله انزوای اجتماعی ارائه می شود:
- ۱- نتایج تحقیق نشان می دهد که ساکنان مناطق توسعه نیافته غالباً فاقد روابط فرامحلی هستند. این امر موجب انزوای اجتماعی آن ها از اجتماع شهری می گردد. فقدان روابط فرامحلی باعث می شود که ساکنان مناطق محروم با افراد و نهادهایی شود که جریان اصل جامعه را نمایندگی می کنند. برای حل این معضل باید به موازات گسترش روابط محلی، روابط فرامحلی ساکنان مناطق محروم نیز توسعه یابد.

انزوای اجتماعی

- توزیع عادلانه منابع و امکانات در مناطق شهری، توسعه شبکه ارتباطی و حمل و نقل در مناطق محروم، برقراری ارتباط بین سازمان ها و گروه های محلی مناطق محروم با سازمان ها و گروه های غیر محلی در سایر مناطق، ارتباط بیشتر سازمان ها و نهادهای دولتی با ساکنان مناطق محروم از جمله عواملی هستند که می توانند به توسعه روابط فرامحلی ساکنان مناطق محروم کمک نماید.

ارتباط بیشتر سازمان ها و نهادهای
دولتی با ساکنان مناطق محروم



- ۲- با توجه به این که در مناطق مسکونی بزرگ و پرجمعیت بخشی از کارکردهای انسجامی گروه های اولیه و همسایگی به گروه های دومین و سازمان های رسمی انتقال می یابد لازم است حضور، عملکرد و نحوه توزیع خدمات نهادهای رسمی به گونه ای باشد که دلبستگی اجتماعی و تعاملات اجتماعی ساکنان مناطق را تقویت نماید.

کارکردهای انسجامی گروه های
اولیه و همسایگی

برای این منظور باید شرایطی فراهم آید که در آن:

- - نوعی رابطه انسانی بر پایه اعتماد و احترام متقابل میان ساکنان مناطق و کارمندان سازمان های رسمی ایجاد گردد.
- - ساکنان بتوانند نیازها و خواسته های خود را ابراز کنند.
- - در زمینه های مختلف به ارائه پیشنهاد بپردازند.
- - در تعیین راهبردها نقش داشته باشند.
- - در اجرای طرح ها همکاری کنند.

- اگر سازمان های رسمی بتوانند چنین شرایطی فراهم کنند، در آن صورت می توانند فاصله اجتماعی میان خود و ساکنان را کاهش دهند، حقانیت و مشروعیت خود را نزد ساکنان را افزایش دهند و مهم تر این که می توانند با ایجاد ارتباط و اتصال ساکنان به سازمان ها و مراکز رسمی به گسترش شبکه های اجتماعی فرامحلی، پل های بیرونی و روابط فرامحلی ساکنان کمک نمایند.

شبکه های اجتماعی فرامحلی، پل های بیرونی و روابط فرامحلی

- ۳- یافته های این پژوهش نشان می دهد که ساکنان مناطق توسعه یافته غالبا فاقد روابط محلی هستند. این امر موجب انزوای اجتماعی آن ها از اجتماع محلی می گردد. برای حل این مسئله باید شرایطی فراهم آید که در آن ساکنان مناطق توسعه یافته در امور محلی درگیر شوند. تشویق **گردهمایی های محلی**، **واگذاری برخی از مسئولیت ها** و **سپردن برخی از فعالیت ها به ساکنان مناطق توسعه یافته** می تواند این امر را تسریع نماید.

روابط محلی

- ۴- با توجه به تاثیر منفی ثبات بر روابط فرا محلی لازم است تحرک فیزیکی، شغلی، موضعی و رابطه ای افراد تقویت گردد. تحرکات مذکور شانس درگیر شدن افراد را در محیط های اثباتی، اجتماعی و فرهنگی متعدد و متنوع افزایش می دهد. برای تحقق این مهم لازم است امکانات و فرصت های لازم (امکانات سیاحتی، شغلی و امکان پیوستن داوطلبانه افراد به یکدیگر) در اختیار افراد قرار گیرد.

پیوستن داوطلبانه

- ۵- نتایج تحقیق نشان می دهد که بی اعتمادی و سوء ظن تاثیر موثر و کاهنده ای بر روابط و پیوندهای اجتماعی دارد و این امر زمینه مناسبی برای انزوای اجتماعی افراد فراهم می سازد. برای حل این معضل باید شرایطی فراهم آید که در آن روابط ابزاری با روابط اظهاری در سطح جامعه ترکیب گردد. تشکیل انجمن های داوطلبانه و برگزاری متناوب مناسک ملی، مذهبی و انسانی در ورای گروه های اولیه و اجتماعات طبیعی و در سطح جامعه شرایط مناسبی را برای ترکیب فراگیر روابط ابزاری با روابط اظهاری فراهم می سازند.

تشکیل انجمن های داوطلبانه و برگزاری متناوب
مناسک ملی، مذهبی و انسانی

- با **توسعه جامعه مدنی**، افراد می توانند در گروه های اجتماعی بیشتری عضویت یابند و روابط و شبکه های شخصی خود را گسترش دهند. فرصت های مذکور به افراد اجازه می دهد تا بیشتر به جامعه وصل شوند و مشارکت خود را در جامعه افزایش دهند. ارتباط و اتصال بیشتر افراد به جامعه علاوه بر جلوگیری از انزوای اجتماعی می تواند شکاف بین حوزه خصوصی و عمومی را کمتر کند و زمینه مساعدی برای **تقویت اجتماع** جامعه ای که در برگیرنده ی اجتماعات کوچک تر است فراهم سازد. کاهش شکاف میان حوزه خصوصی و عمومی و همچنین تقویت اجتماع جامعه ای می تواند اعتماد اجتماعی و احساس امنیت را در سطح جامعه تقویت نماید.

- ۶- با توجه به تاثیر مثبت تعدد گروه ها و هویت ها بر سطح روابط و پیوندهای اجتماعی، لازم است پیوندهای ضعیف یا به عبارتی پل های ارتباطی در شبکه تعاملات جامعه افزایش یابند.
- پیوندهای ضعیف شبکه تعاملات اجتماعی را گسترش می دهند و باعث تقویت انسجام جامعه ای می شوند. البته باید به خاطر داشت که هویت های جمعی درگیر در شبکه ی روابط اجتماعی به شرط آن که همگی در جهت ارزش ها و قواعد محوری نظام اجتماعی عمل نمایند می توانند موجب تسهیل روابط اجتماعی در سطح جامعه شوند.

هویت های جمعی درگیر در
شبکه ی روابط اجتماعی